سال بیست‌وچهارم | پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۹ | ۲ ذیحجه ۱۴۴۱ | 23July 2020 | شماره ۳۲
ایران جوان

برای ادامه تحصیل به ایتالیا رفت و کارشناسی ارشد خود را از دانشکده معماری شهر رم گرفت؛ او دوره دکترا را نیز در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه پلی تکنیک شهر تورین ایتالیا گذراند و فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش را در حوزه معماری ایتالیا، ایران و آمریکا آغاز کرد. آقای درویش در سال ۱۳۴۴ «مؤسسه معماری درویش» را در تهران و ۱۸ سال بعد در ایتالیا تأسیس کرد. مهندس خوشفکر ورامینی در سال ۱۳۴۵ بعد از آنکه آوازه‌اش به وطن رسید به درخواست مقامات بلندپایه سازمان تربیت بدنی وقت، طراحی و ساخت بنای شگفت انگیز سازه کابلی ورزشگاه فرح آباد (تختی) تهران را به عهده گرفت. اجرای تمام و کمال سازه شگفت‌انگیز فرح آباد ابتدا چنان از سوی پیمانکاران نامدار آلمانی به عنوان کاری غیرممکن و محال به نظر می‌رسید که با اصرار و اغراق‌شان می‌خواستند مهندس ایرانی از این پروژه غیرممکن چشم بپوشد و یا راه حل‌های سازه را تغییر دهد. ظاهراً در آن زمان‌ها شرایط چنین پروژه‌های بلندپروازانه‌ای در جهان چندان قابل تصور نبود و به نظر نمی‌رسید که سازه‌ای متشکل از کابل با آن دهانه‌های وسیعش به راحتی راحت الحلقوم قابل اجرا باشد. البته وقتی پای جان و جگر وسط باشد همه کارها شدنی است. مهندس جهانگیر نیز که در این میان به ویژه در ایستادگی و رویاپردازی به پدرش سعدالله خان رفته بود؛ در برابر حرف مهندسین اروپایی از پای ننشست و به همراهی همسرش ماریزا که او نیز دکترای معماری داشت دل به دریا داد. در حالی که هنوز در ایران هیچ پیمانکاری دانش و توانِ انجام چنین پروژه مدرنی را نداشت و حتی کارگران نسبتاً متخصصی نیز برای کار در چنین سازه پیچیده‌ای آموزش ندیده بودند پسر سعدالله خان طراحی، اجرا و مدیریت پروژه این سازه را خود بر عهده گرفت و در کمتر از ۵ سال یک تنه و با وجود تمام مشکلات غیرقابل پیش بینی از نوع جهان سومی که ریشه در حسدورزی‌ها، تنبلی‌ها و دزدیدن‌های زیرجلکی از بودجه پروژه داشت جنگید و این محصول ویژه را که بزرگترین سازه کابلی خاورمیانه نام گرفته بود بالاخره به بهره برداری رساند. شاید او در کتابی که امروز درباره استادیوم فرح آبادش نوشته است از پیگیری‌های رئیس چشم آبی تربیت بدنی وقت نادر جهانبانی نوشته باشد که وقتی به پاکدستی‌ها و سلامت و خوشفکری مهندس ایرانی ایمان آورد چقدر برای رفع مشکلات و موانع سر راه او چاره‌ساز شد. تیمسار جهانبانی رئیس تربیت بدنی وقت از آنجا دل به آرمان‌های تمیز مهندس متشخص ایرانی داد که یک بار در سرکشی‌های هفتگی‌اش به کارگاه، دیده بود که مهندس درویش در حال فریاد زدن است. گفته بود اینکه داد زدن ندارد جناب؟ مهندس گفته بود «حضرتعالی از این داربست ۲۸ متری با من بالا بیا تا ببینید داد زدن دارد یا نه؟» جهانبانی آن ارتفاع را با مهندس جوانش بالا رفته بود و آنجا مهندس درویش دستش را داخل یک تکه بتن کرده، بیرون آورده، به او نشان داده و گفته بود «ببین بتن را با یونولیت پُر می‌کنند، این کار داد زدن دارد یا نه؟» در آن لحظه بعد از آنکه یک تکنسین انگلیسی هم که مأمور سوراخ کردن بتن با لیزر بوده حرف او را با سرش تأیید کرده بود آنگاه جهانبانی دستش را روی شانه مهندس گذاشته و گفته بود از من چه می‌خواهی؟ مهندس گفته بود «هیچ. من از شما هیچ چیز نمی‌خواهم فقط در صورت امکان هر یکشنبه ساعت ۷ صبح ۱۰ دقیقه به اینجا سر بزنید تا این پیمانکارها از حساسیت شما به این کار باخبر شوند.» جهانبانی روی قولش ایستاد و تا پایان پروژه هرگز بازدیدهای ده دقیقه‌ای خود از استادیوم فرح آباد را رها نکرد و پیمانکارها با دیدن او حساب کار دست‌شان آمد که اگر از درویش هم نمی‌ترسند از تیمسار چشم آبی باید هراس به دل راه دهند. درویش یاد گرفت بسیاری از کارهای سخت را در همین بازدیدهای رئیس ورزش کشور انجام دهد. آن روزها هنوز مهندسینی با پاسپورت‌های انگلیش، آمریکن و ایتالیان بودند که سعی می‌کردند مهندس یکدنده ایرانی را قانع کنند که از این پروژه غیرقابل تحقق دست بردارد و پی سازه‌های آب و نان‌دار و سهل‌تر برود. در یکی از همین سرکشی‌های جهانبانی بود که درویش دوزاری‌اش افتاد که مهندسین فرنگی تکیه‌ها را اشتباهی ساخته‌اند و باید عوض شود. تیرهایی با دهانه‌های ۲۵ متری، که می‌خواستند با داربست‌ها سر تیرها را در استادیوم به آن بزرگی حدود سه سانتیمتری بالا بکشند و این کار شاقی بود. کارگزارانی که تکیه‌ها را خراب پُر کرده بودند و بتن‌ها را کم گذاشته بودند حالا باید با لیزر سوراخش می‌کردند و کمبود آهن‌ها را جبران می‌کردند و قالب آن را با فلز می‌گذاشتند. این چیزها با تمام سختی‌شان البته دست اندازهای کوچکی بودند که پسر سعدالله خان از آنها باکی نداشت چون به راه و فکر خود ایمان داشت.

آقای درویش در سال ۱۳۴۴ «مؤسسه معماری درویش» را در تهران و ۱۸ سال بعد در ایتالیا تأسیس کرد. مهندس خوشفکر ورامینی در سال ۱۳۴۵ بعد از آنکه آوازه‌اش به وطن رسید به درخواست مقامات بلندپایه سازمان تربیت بدنی وقت، طراحی و ساخت بنای شگفت انگیز سازه کابلی ورزشگاه فرح آباد (تختی) تهران را به عهده گرفت. اجرای تمام و کمال سازه شگفت‌انگیز فرح آباد ابتدا چنان از سوی پیمانکاران نامدار آلمانی به عنوان کاری غیرممکن و محال به نظر می‌رسید که با اصرار و اغراق‌شان می‌خواستند مهندس ایرانی از این پروژه غیرممکن چشم بپوشد و یا راه حل‌های سازه را تغییر دهد.

۴

حالا را نگاه نکن که همین مرد ۸۷ ساله‌ای که استادیوم فرح آباد را با هزینه‌ای معادل ۱۹۰ میلیون تومان ساخته است در سبک معماری خود همیشه عاشق تئوری و فلسفه «استقامت تحت اشکال مقاوم» بوده است. او در سال ۱۳۴۵ بعد از آنکه پیشنهاد مقامات بالادستی مملکتی را برای ساخت ورزشگاه شرق تهران پذیرفت ابتدا به آلمان سفر کرد تا پیمانکار برجسته و خوش سابقه‌ای برای خود پیدا کند. هنوز آن روزها را به یاد می‌آورد که پیمانکار ژرمن، او را به شام دعوت کرد تا مهندس ایرانی را به دست شستن از این پروژه غیرممکن تشویق کند چون از نظر آن آلمانی سختکوش نیز ساخت چنین سازه مدرنی در ایران غیرقابل تحقق به نظر می‌رسید. او اما هر چه به درویش برای انصراف اصرار کرد مهندس ایرانی را در راه پیش رو مصّرتر دید. درویش برای اطمینان پیمانکار آلمانی حتی او را کشان کشان به انگلیس برد تا از کارخانه کابل سازی این کشور بازدید کرده و نوع ساخت کابل را از نزدیک ببیند بلکه خاطرجمع شود و این همه انرژی منفی خرج مهندس بلندپرواز ایرانی نکند. درویش در ادامه راه کارگران الجزایری را که دارای شناخت و سابقه کار روی سازه‌های کابلی بودند به کار گرفت تا به پروژه‌اش اطمینان خاطر بیشتری پیدا کند. سازه‌ای با گستره ۲۵۴ متری که بزرگترین گستره در یک سازه کابلی در دنیا به شمار می‌رفت. او تمام کدهای مربوط به فاندیشن‌ها را از آلمان و هلند و دانمارک روی هم ریخت تا بتواند فرمولی اختراع کند که پنج میلیون کیلو را داخل بتن کند. آن روزها برخلاف آلمانی‌ها که همه‌اش از ناامیدی حرف می‌زدند یک مهندس چشم آبی آمریکایی که بعدها

صفحه ۲۸
پنجشنبه هفتم
شهریور ماه ۱۳۵۳
شماره ۱۴۴۹۶

اطلاعات

ویژه نامهٔ هفتمین دورهٔ بازیهای آسیائی تهران - ۱۳۵۳ ۱۰ تا ۲۵ شهریور

آفتاب به ورزشگاه عظیم نعل اسبی شرق تهران نخواهد تابید

در این ورزشگاه تماشاگران، در بعد از ظهرهای آفتابی زیر سایه بازیها را تماشا خواهند کرد

ورزشگاه بزرگ فرح‌آباد در شرق تهران که ازدحام تماشاچی و خریداران بلیط در آن امکان ندارد

در ورزشگاه بزرگ فرح آباد

هر شرق تهران و روی تپه های نمونش آب وهوای فرح آباد ، یک ورزشگاه بزرگ ساخته شده که‌کارتکمیل تاسیسات این ورزشگاه بزودی پایان میپذیرد. ورزشگاه

از ۳ متر برای رسیدن‌به زیر جایگاه مخصوص با اتومبیل استفاده شده که از آنجا با دو راسپ پله به جایگاه مخصوص وارد میشوند وبهمین طریق سعی شده که از تمام

اصلی از دو سری کابل تشکیل شده است . الف ـ کابل های اصلی با حامل وزن سقف که‌در جهت کوتاهترین فواصل بین کنار ه کابلی و کناره بتنی

شیب زمین بطور یکنواخت و حدود ۲٫۵ درصد از شرق بغرب میباشد .
هوای این ناحیه همیشه صاف و سالم و مناسبترین